

خاموشی ماجراجوی سیاست و ادبیات

خاموشی ماجراجوی سیاست و ادبیات

مریم کوشکی

در عنفوان جوانی شیفته شخصیت فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا شد اما بعدها جدایی کامل خود از جنبش‌های تندرو چپ را اعلام کرد و به حمله شدید علیه کاسترو پرداخت. در سال ۱۹۸۸ در کنار تعدادی از احزاب راست‌گرا در تشکیل «جنبش آزادی‌ها» شرکت کرد. در سال ۱۹۹۰ کاندیدای احراز پست ریاست‌جمهوری کشورش و در سال ۲۰۱۰ نامزد جایزه نوبل ادبیات گردید؛ در اوّلی توفیقی نداشت اما در دوّمی کامیاب شد و بر بلندای قلّه سخنوری در جهان ایستاد. آری سخن از ماریو بارگاس یوسا است؛ او که به گفته خود از فعالیت‌های سیاسی خویش «فساد حکومت و تحریک مردم به فدا کردن همه چیز در راهش» را به خوبی درک کرده بود. به علت حمایت از ایالات متحده و انتشار مقالاتی در تأیید سیاست‌های آمریکا مورد انتقاد قرار گرفت. این مقالات در دوران جنگ عراق نوشته شده بود، آن‌گاه که یوسا با دختر عکاسش مورگانا به صحنه جنگ رفت و کار مشترکی با عنوان «روزنگار عراق» تهیه کردند. در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه صلح آلمان شد. آکادمی نوبل، از او به عنوان آفریننده آثاری نام برده بود که در آن وی به «ترسیم پیکره‌های قدرت» پرداخته و نگاه نافذی به «مقاومت، طغیان و شکست فردی» دارد. چنین شخصیتی با چنین کارنامه پربار روز ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ روی در نقاب خاک کشید و نه تنها در ادبیات، بلکه در حوزه سیاست نظری و عملی نیز خاطراتی ماندگار از خود برجای گذاشت. خورخه ماریو پدرو بارگاس یوسا: (۲۸ مارس ۱۹۳۶ – ۱۳ آوریل ۲۰۲۵) داستان‌نویس، مقاله‌نویس، سیاستمدار و روزنامه‌نگار اهل پرو بود. یوسا از رمان‌نویسان و مقاله‌نویسان برجسته معاصر آمریکای جنوبی در ۲۸ مارس ۱۹۳۶ در آرکیپای پرو دیده به جهان گشود و یکشنبه ۱۳ آوریل ۲۰۲۵ در سن ۸۹ سالگی در لیما درگذشت.

در ۱۴ سالگی به دبیرستان نظام رفت که تأثیری ژرف و ماندگار بر او نهاد و ایده نخستین رمانش را در ذهنش پروراند. نگرش داروینیستی او نسبت به زندگی ثمره تجربه همین دو سال است. یوسا در رشته هنرهای آزاد دانشگاه لیما فارغ‌التحصیل شد و سپس از دانشگاه مادرید در رشته ادبیات درجه دکترا گرفت. اودر سال ۱۹۵۹ به پاریس مهاجرت کرد و به عنوان معلم و روزنامه‌نگار خبرگزاری فرانسه و همچنین تلویزیون ملی فرانسه مشغول به کار شد. وی سال‌ها در اروپا، به ویژه در پاریس و لندن و مادرید زیست و به کارهای گوناگون پرداخت. مترجمی، روزنامه‌نگاری و تدریس از آن جمله‌اند.

یوسا در نوزده سالگی با خولیا اورکیدی، که یکی از نزدیکانش و هیجده سال از او بزرگ‌تر بود، ازدواج کرد. در رمان برجسته «عمه خولیا و میرزابنویس» (۱۹۷۷) از شخصیت این زن الهام گرفته است. اما این ازدواج دیری نپایید و در ۱۹۶۴ به طلاق انجامید و در سال بعد با پاتریسیا، «بانوی زندگی‌اش» دیدار کرد که از او سه فرزند دارد.

ماریو بارگاس یوسا در بیست‌سالگی نخستین داستان‌ش را منتشر کرد. داستان کوتاه «سردسته‌ها» در یکی از نشریات پایتخت به چاپ رسید. او از سنین نوجوانی با نشریه لاکرونیکا همکاری داشت. سال ۱۹۵۸ موفق به دریافت فرصت تحصیلی در دانشگاه مادرید شد. سال بعد مجموعه داستان‌های کوتاهش در بارسلون به چاپ رسید. او سرانجام از پاریس سر درآورد و با بورخس، فوئنتس و تعدادی دیگر از نویسندگان اسپانیولی زبان آشنا شد. در سال ۱۹۶۳ اولین رمانش منتشر شد؛ دوران قهرمان ماجرای دخالت نظامیان در عرصه سیاست و تبعات شوم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن است. این رمان با استقبال منتقدان و خوانندگان روبه‌رو شد و نام نویسنده به عنوان یک منتقد رادیکال مطرح شد و تعدادی از نسخ کتابش به عنوان کتاب ضاله طی مراسمی رسمی به آتش کشیده شد. اما این مانع از اهدا جایزه منتقدان به یوسا نشد. در سال ۱۹۶۶ پس از چاپ دومین رمانش «خانه سبز» از پاریس به لندن رفت و به تدریس ادبیات اسپانیایی - آمریکایی اشتغال ورزید. سال بعد دومین مجموعه داستان‌ش منتشر شد و او را برنده دو جایزه ادبی کرد.

یوسا هفتم اکتبر سال ۲۰۱۰ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. حدود ۲۰ سال نام او به عنوان یکی از کاندیداهای این جایزه بود. این نخستین بار از سال ۱۹۸۲ بود که یک نویسنده از آمریکای لاتین توانست برنده جایزه نوبل ادبی شود. در این سال، گابریل گارسیا مارکز نویسنده کلمبیایی برنده جایزه یک و نیم میلیون دلاری ادبیات

نوبل شد.

آکادمی نوبل که مقر آن در استکهلم سوئد است، از یوسا به عنوان خالق آثاری نام برده که در آن وی به «ترسیم پیکره‌های قدرت» پرداخته و نگاه نافذی به «مقاومت، طغیان و شکست فردی» دارد.

یوسا در سال ۱۹۹۴ به عنوان عضو آکادمی سلطنتی اسپانیا برگزیده شد و در سال‌های گذشته در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا، آمریکای جنوبی و اروپا تدریس کرده‌است. او توانست در سال ۱۹۹۵ جایزه سروانتس، مهم‌ترین جایزه ادبی نویسندگان اسپانیایی زبان، را از آن خود کند و همچنین در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه صلح آلمان شد.

سومین رمانش «گفتگو در کاتدرال» در ۱۹۶۹ منتشر شد. یک سال بعد به بارسلون رفت تا نوشتن یکی از معتبرترین نقدها بر آثار مارکز را آغاز کند. این کتاب در ۱۹۷۱ منتشر شد.

یوسا چند سفر به کوبا داشت و رابطه خوبی با حکومت کوبا پیدا کرد. زندانی شدن ابرتو پادیلا، نویسنده کوبایی، زمینه‌ساز اعتراض گسترده نویسندگان آمریکای لاتین شد. یوسا به همراه دیگر نویسندگان، اختناق حاکم بر جامعه کوبا و شخص فیدل کاسترو را محکوم کردند. با کمک تعدادی از نویسندگان هم فکرش نشریه «آزاد» را در پاریس منتشر کرد و کتاب «ماجرای پنهانی یک رمان» را در بارسلون منتشر ساخت.

چهارمین اثرش «سروان پانتوخا و خدمات ویژه» در سال ۱۹۷۳ منتشر شد. سال ۱۹۷۴ به زادگاهش بازگشت. در ۱۹۷۶ به ریاست باشگاه پن (انجمن قلم آمریکا) برگزیده شد و سفرهایی به دانشگاه‌های مختلف اروپا و آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی کرد و به عنوان استاد مدعو به سخنرانی و تدریس پرداخت. «عمه خولیا و میرزابنویس» ماجرای نخستین ازدواج یوسا است که در ۱۹۷۷ به چاپ رسید. رمان «جنگ آخرالزمان» در سال ۱۹۸۱ منتشر شد. این پروژه بزرگ، زیر قلم یوسا با مهارت شگرفی شکل گرفته و حجم کار و شخصیت‌های پرشمار و رابطه بینامتنی رمان با بخشی از تاریخ برزیل، هیچگاه موجب سستی اثر نشد. تا جایی که این اثر را به عنوان نظیری برای «جنگ و صلح» تولستوی در ادبیات آمریکای لاتین توصیف کرده‌اند. ماجرای اصلی این رمان نیز در قرن نوزدهم می‌گذرد.

یوسا پس از «جنگ آخرزمان» چند اثر دیگر «زندگی واقعی الخاندرو مایتا» و «سور بز» و «نامه‌هایی به نویسنده جوان» نیز به مجموعه آثارش افزود. «گفتگو در کاتدرال» و «جنگ آخرالزمان» به عنوان مهم‌ترین آثار نویسنده مورد توجه مخاطبان و منتقدان هستند.

او «عصر قهرمان» را در بیست و شش سالگی نوشت که برای او شهرتی جهانی به ارمغان آورد. یوسا، آندره مالرو را نویسنده‌ای دانست که بر نگارش اثرش عصر قهرمان تأثیر گذاشت. از دیگر رمان‌های او

می‌توان به «زندگی واقعی آلخاندرو مایتا»، «چه کسی پالومینو مولرو را کشت؟»، «بهشت، آن‌جا» (۲۰۰۳)، «سوربز» (۲۰۰۰)، «خانه سبز» (۱۹۶۵)، «شهر و سگ‌ها» (۱۹۶۳) و «لیتوما در میان کوه‌های آند» اشاره کرد.

آثار پژوهشی او عبارت‌ند از: «زبان هیجان» (۲۰۰۱)، «نامه‌هایی به رمان‌نویس جوان» (۱۹۹۷)، «ماهی در دریا» (۱۹۹۳)، «واقعیت پوشیده» (۱۹۹۰)، «میان سارتر و کامو» (۱۹۸۱) و «چرا ادبیات». از نمایش‌نامه‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «دیوانه ایوان‌ها» (۱۹۹۳) و «شوخی» (۱۹۸۶).

گابریل گارسیا مارکز، رمان‌نویس بزرگ کلمبیایی از دوستان نزدیک و صمیمی یوسا بود. در سال ۲۰۰۳، در نمایشگاه کتاب بوگوتا، در تهاجم یوسا به مارکز و «چاپلوس کوبا» خواندن او، این دوستی به تیرگی گرایید. این تهاجم زبانی به علت دوستی نزدیک مارکز با فیدل کاسترو بود. آن روز یوسا، به علت عکس‌العمل شدید دوست‌داران مارکز، که به قهرمان محبوبشان اهانت شده بود، ناگزیر شد از سالن نمایشگاه خارج شود. یوسا در روز درگذشت گابریل گارسیا مارکز در مورد وی چنین گفت: «نویسنده بزرگی که کارهایش، دانش و اعتبار گسترده‌ای برای ادبیات زبان ما به ارمغان آورد، از دست رفته است. رمان‌های او پس از او هم زنده خواهند ماند و به جذب خوانندگان از سرتاسر جهان ادامه خواهند داد».

یوسا و سیاست

یوسا در سال‌های نخستین جوانی مجذوب شخصیت فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا شده است، اما او مدتی بعد جدایی کامل خود از جنبش‌های تندرو چپ را اعلام کرد و به حمله شدید علیه کاسترو پرداخت. در سال ۱۹۸۸ در کنار تعدادی از احزاب راست‌گرا در تشکیل «جنبش آزادی‌ها» شرکت کرد. در سال ۱۹۹۰ نامزد ریاست جمهوری پرو شد اما از رقیبش آلبرتو فوجیموری شکست خورد و بعد از آن، همه فعالیت‌ها و برنامه‌های سیاسی خود را کنار گذاشت.

به گفته خود از فعالیت‌های سیاسی خویش «فساد حکومت و تحریک مردم به فدا کردن همه چیز در راهش» را به خوبی درک کرده بود. به علت حمایت از ایالات متحده و انتشار مقالاتی در تأیید سیاست‌های آمریکا مورد انتقاد قرار گرفت. این مقالات در دوران جنگ عراق نوشته شده بود، آن‌گاه که یوسا با دختر عکاسش مورگانا به صحنه جنگ رفت و کار مشترکی با عنوان «روزنگار عراق» تهیه کردند.

گزین‌گویی‌هایی از یوسا

*شعر ضمیر جهان است. با آن به لایه‌هایی از زندگی دست می‌یابیم که

با شناخت عقلانی و هوش منطقی به آنها دسترسی نداریم؛ یعنی دره‌های عمیقی که لازمه راه یافتن به آنها پذیرش خطرهای جدی است. فقط از راه حدس و باطن است که می‌توان به شعر رسید نه از راه عقل.

*من وقتی می‌نویسم خودم را تکثیر می‌کنم. دو نفر می‌شوم. هم نویسنده، هم خواننده. چون همیشه خودم را جای خواننده می‌گذارم تا بفهمم چه چیزی خوب است و چه چیزی بد. سعی می‌کنم خودم را با دو چشم دیگر بخوانم، و با نگاهی دیگر، طوری که انگار نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی بیفتد.

*از تجربه‌های سیاسی‌ام آموختم که من یک نویسنده‌ام، نه سیاستمدار. بخشی از دلیل اینکه چنین زندگی‌ای داشته‌ام این است که می‌خواستم زندگی‌ای ماجراجویانه داشته باشم. اما بهترین ماجراجویی‌های من، بیشتر ادبی بوده تا سیاسی.

گزیده آثار

ماریو بارگاس یوسا بیش از ۳۰ رمان و نمایشنامه نوشت که می‌توان به «گفتگو در کاتدرال» (۱۹۶۹)، «خانه سبز» (۱۹۶۶)، «عصر قهرمان» (۱۹۶۳) و سرانجام «جنگ آخرالزمان» (۱۹۸۱) اشاره کرد. این نویسنده زمانی به شهرت جهانی رسید که کتاب «عصر قهرمان» وی منتشر شد و در آن به شرح تجربیات خود در آکادمی نظامی لئونسیو پرادو پرداخته است. این کتاب در پرو جنجال‌برانگیز شد و هزار نسخه آن از سوی افسران این آکادمی در ملاء عام آتش زده شد. بسیاری از آثار ماریو بارگاس یوسا به زبان‌های مختلف دنیا از جمله فارسی برگردانده شده است.

سردسته‌ها، ۱۹۵۹

سال‌های سگی، ۱۹۶۶

گفتگو در کاتدرال، ۱۹۷۵

جنگ آخرالزمان، ۱۹۸۴

زندگی واقعی الخاندرو مایتا، ۱۹۸۵

در ستایش نامادری، ۱۹۹۰

مرگ در آند، ۱۹۹۶

قصه‌گو، ۱۹۹۸

سور بز، ۲۰۰۲

یادداشت‌های عراق، ۲۰۰۳

راه بهشت، ۲۰۰۳

رؤیای سلت، ۲۰۱۰

چرا ادبیات؟

دوشیزه خانم تاکنا

چه کسی پالومینو مولرو را کشت؟ یا راز قتل پالومینو مولرو
دختری از پرو
نامه‌هایی به یک نویسنده جوان
موج آفرینی
عیش مدام، گوستاو فلوبر و مادام بوواری
واقعیت نویسنده
قهرمان عصر ما ، ۲۰۱۵
پای رودخانه تمز (نمایشنامه)
هزار شب و یک شب (نمایشنامه)
روزگار سخت
سکوتم تقدیم به شما
درگذشت